انترناسیونال ۷۱۰

اصغر کریمی

متن سخنرانی در لندن ۲۹ آوریل ۲۰۱۷

**جنبش کارگری ایران، مبارزات و چشم اندازها**

کمیته برگزار کننده اول مه در لندن روز ۲۹ آوریل سمیناری سازمان داده بود تحت عنوان جنبش کارگری ایران، مبارزات و چشم اندازها. در این سمینار رفقا حسن حسام از سازمان راه کارگر، ایوب رحمانی از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران، فاتح شیخ از حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست، صلاح مازوجی از حزب کمونیست ایران و من از سخنرانان آن بودیم. متن زیر را قبل از سخنرانی آماده کرده بودم که فشرده آنرا در سمینار لندن ارائه دادم.

یک مشاهده ساده از جنبش کارگری در ایران میگوید که تصویر جنبش کارگری با تصویری که حتی پنج سال قبل داشتیم متفاوت است. تصویر جامعه از کارگر عوض شده است. تصویر دشمنان کارگر هم از کارگر عوض شده است. احساس همبستگی و سرنوشت مشترک بسیار قویتر شده است و بافت کارگر هم عوض شده است. کارگران متحدتر شده اند، پخته تر و سیاسی تر شده اند، هزاران رهبر با تجربه در مراکز کارگری و در میان بخش های مختلف کارگران شکل گرفته است و وزن اجتماعی و سیاسی کارگر در جامعه عوض شده است. الان همه کارگر دوست شده اند! حتی رضا پهلوی هم از اعتصابات کارگری برای شروع انقلاب صحبت میکند! کارگر و انقلاب!‌ بار دیگر سرها به طرف کارگر چرخیده است.

این فاکتورها جنبش کارگری در ایران را در موقعیت ویژه ای قرار داده است. در موقعیتی که هیچگاه نبوده است. این موقعیت کارگر را در آستانه پیشروی های بسیار مهمتری قرار داده، چشم انداز روشنی مقابل آن قرار داده و مسیر پیشروی و گام های بعدی را هم مشخص تر کرده است.

یک تصویر رایج هم این است که کارگران پراکنده اند، متشکل نیستند، آگاهی ندارند، مذهبی هستند، و حتی دیده شده که در جاهایی کارگران الله اکبر گفته اند و صفاتی از این قبیل. من این تصویر را واقعی نمیدانم. شاید گوشه کوچکی از حقیقت را درمورد بخشی از کارگران بیان کند اما بخش دیگر را که اتفاقا خصلت نمای امروز جنبش کارگری است نادیده میگیرد. من این تصویر را بشدت گمراه کننده و مخرب میدانم. کسی که دست اندر کار جنبش کارگری باشد نمیتواند پیشروی هایی که نتیجه کار از جمله خودش هست را نبیند و همان ساز ۲۰ سال قبل را بزند و با چنین روحیه ای فکر کند میتواند خشتی روی خشت بگذارد. هر درجه از پیشروی را باید دید، آنرا به رسمیت شناخت و تثبیت کرد تا جلو رفت. ندیدن پیشروی و برعکس تکرار کارگران پراکنده اند، متحد نیستند، ناآگاهند و غیره همین درجه از پیشروی ها را هم کند میکند و به یک ترمز تبدیل میشود.

به ضعف های جنبش کارگری خواهم پرداخت اما اجازه بدهید به پیشروی ها بویژه در دو سال گذشته اشاره کنم:

در دو سال گذشته اعتصابات وسیعتر شده، به لایه های بیشتری از کارگران کشیده، اعتصابات طولانی به یک نرم تبدیل شده و گاه تا یک ماه و دو ماه ادامه یافته است، بسیاری از مراکز بزرگ صنعتی وارد اعتصاب شده اند، اعتصابات سراسری بویژه توسط معلمان و بازنشستگان هم به یک نرم تبدیل شده است، اعتراضات به اشکال دیگر از جمله طومار نویسی یا تجمع از جمله در میان کارگران نفت و برق و آتش نشانی و معادن و غیره در بعد وسیعتری شروع شده، خانواده های کارگری در ابعادی توده ای به میدان آمده اند و این به یک سنت بسیار مهم و درخشان در جنبش کارگری تبدیل شده است، خواست های سراسری مثل دستمزد بالای چهار میلیون، یعنی خارج از چهارچوبی که در شورایعالی کار و پادوهای شورای اسلامی میگذرد، و لغو امنیتی کردن اعتراضات و آزادی کارگران و معلمان زندانی یا کلا زندانیان سیاسی و برخی خواست های دیگر هم میدانی شده و فقط محدود به قطعنامه تشکل های کارگری به مناسبت اول مه نیست. اعتراضات شکل موثرتر و تعرضی تری به خود گرفته است از جمله راهپیمایی در مراکز شهرها، شعارها سیاسی تر و افشاگرانه تر شده است علیه حکومت، اتحاد کارگران و معلمان و بازنشستگان به درجاتی شکل گرفته که این هم یک اتفاق مهم در جنبش کارگری بشمار میرود. زنان نقش فعال تری در اعتراضات بدوش گرفته اند و بتدریج در صف اول اعتراض و سازماندهی دارند جایگاه خود را پیدا میکنند. مدیای اجتماعی بعنوان ابزاری مهم و بسیار کارساز برای سازماندهی اعتراض و برای متشکل شدن کارگران وسیعا مورد استفاده قرار گرفته است. بافت کارگر به میزان زیادی عوض شده است. اگر زمانی اساسا از روستاها به شهرها کوچ میکردند و صفوف کارگران صنعتی از کارگران روستایی انباشته میشد و محافظه کاری تقویت میشد، امروز این فارغ التحصیلان دانشگاه ها هستند که به صفوف کارگران رانده میشوند، و اینها جلوه های مهمی از تغییرات در جنبش کارگری است که از اوایل دهه نود شروع شده اما در این دو سال یک جهش بزرگ کرده است.

اشاره کردم که گفتن اینکه کارگر پراکنده است نیمه مهم حقیقت را پنهان میکند. روشن است که کارگران تا تشکل های سراسری خود را نداشته باشند بر پراکندگی غلبه نکرده اند، روشن است که تا کارگران در ابعادی وسیع در حزب طبقاتی خود متشکل نشده باشند، تا زمانی که کمونیسم به انتخاب سیاسی مردم در یک بعد اجتماعی تبدیل نشده باشد، گرایشات عقب مانده و رفرمیستی و فرقه ای و تفرقه میان کارگر به اصطلاح بومی و غیر بومی یا ایرانی و افغان و شکاف های قومی که قومپرستان دامن میزنند و غیره تاثیرات مخرب خود را بر مبارزات کارگران میگذارد. اینها همیشه بوده است و باز هم متاسفانه ادامه خواهد یافت. اما آنچه سرنوشت جنبش کارگری را میسازد فاکتورهایی است که بطور محسوس تغییر کرده و به سرعت در حال تغییر است. این آن جنبه شکوهمندی است که ندیدن و کم رنگ کردنش برای کسی که خود را فعال جنبش کارگری یا مدافع کارگران میداند مضر است. سوال من این است که آیا همین اعتراضات سراسری بخشی از روند متحد شدن کارگران نبوده است، حضور خانواده های کارگران در اعتراضات بخشی از روند اتحاد کارگران نبوده است، اتحاد کارگر و معلم و یا خواست های سراسری که هم در قطعنامه ها و بیانیه هایی تشکل های کارگری منعکس میشود و هم بخشا به خواست هایی میدانی تبدیل شده است، بخشی از این اتفاق نبوده است؟ آیا همین ها زمینه را برای متشکل شدن در ابعادی توده ای آماده تر نکرده است؟ از نظر من اینها خصلت نمای جنبش کارگری در شرایط امروز است نه عقب ماندگی و تفرقه و ... این روند است که جمهوری اسلامی در مقابل آن مانور سرکوب جنبش کارگری سازمان میدهد و رضا پهلوی را وادار میکند از انقلاب و کارگر حرف بزند. تحصن خانواده های کارگران بافق و اعتصاب بزرگ کارگران ایران ترانسفو و شعاردادن هایشان و یا راهپیمایی کارگر هپکو و روغن نباتی زنجان و فولاد اهواز است که چشم ها را به طرف کارگر دوخته است. طومار ۱۰ هزاری و ۱۲۰ هزاری کارگر نفت و طومار ۱۴۰-۱۵۰ هزاری معلمان است که توجه همه را به پتانسیل عظیم این جنبش جلب کرده است. عقب ماندگی ها را دیگران به حد کافی برجسته میکنند لااقل کاری کنیم که بخش پیشرو جنبش کارگری اهمیت پیشروی های خودش و نقاط قوت امروزش را عمیقتر ببیند تا چشم انداز روشن تر و وواقع بینانه تری از موقعیت امروز خود داشته باشد. گام های بعدی را، تفرقه ها و پراکندگی ها و یا گرایشات عقب مانده مشخص نمیکنند این روند مشخص میکند. و هرچه این روند قوی تر و وسیعتر شود عقب ماندگی ها و تفرقه ها و پراکندگی ها هم کمتر میشود یعنی راه مقابله با صرفا از طریق نقد آنها بلکه اساسا از مسیر دیگری میگذرد.

اجازه بدهید اضافه کنم که به موازات این، تحولات مهمی در کل جامعه هم اتفاق افتاده است و دارد اتفاق می افتد که به پیشروی جنبش کارگری مربوط است که میتوان به مسائل زیر اشاره کرد: پیشروی جنبش رهایی زن، گسترش فضای اعتراضی علیه حکومت و نظام، رشد فضای همبستگی و احساس عمیق هم سرنوشتی در میان مردم، تفاوت فاحش حقوق ها و بی آبرویی بیشتر حکومت برای حقوق های نجومی، و یک اتفاق مهم دیگر رشد محسوس گرایش به چپ و روی آوری به تشکل در مقیاسی نسبتا وسیع و شکل گیری صدها نهاد پیشرو در عرصه های مختلف. بیانیه تشکل های فراگیر دانشجویی به مناسبت ۱۶ آذر نمونه ای از این فضا است.

اینها فضایی است که کارگر و جنبش کارگری در آن زندگی میکند. جنبش کارگری بر این فضا تاثیرات محسوسی هم از نظر گسترش فضای اعتراضی و کاهش محسوس توان حکومت در سرکوب و هم در رشد گرایش چپ در جامعه داشته و متقابلا از فضای عمومی جامعه از جمله پیشروی جنبش رهایی زن و فضای ضد مذهبی و غیره تاثیرات مهمی گرفته است. پیشروی هایی که خود نیز بعنوان بخشی از جامعه در آن نقش داشته است.

**اما گام های بعدی چیست؟**

من معتقدم که امروز جنبش کارگری میتواند و باید با اتکا به پیشروی های خود خیز بعدی را بردارد. بر اساس این اصل معروف دیالکتیکی که برای همه شما آشنا است تغییرات کمی جایی در ادامه خود به تحول کیفی منجر میشود. این درمورد جنبش کارگری هم صادق است. تغییرات بعدی نمیتواند باز هم کمی باشد و بگوییم باز هم رشد میکند. گسترش می یابد، اعتصاب بیشتر میشود اتحاد بیشتر میشود. اینها کیفیت تازه ای نیست. بنظر من کیفیت تازه ایجاد تشکل های توده ای کارگری است. من فاکتورها و شرایط مساعدتر را اشاره کردم اما بنظر من ماتریال انسانی این هم بوجود آمده است. طیف وسیعی از رهبران اعتصابات و اعتراضات که هرکدام چندین اعتصاب و تجمع را هدایت کرده اند رهبرانی که بیشترشان گمنام هستند، شبکه ها و محافل وسیعی که در اعتصابات و اعتراضات، بویژه اعتراضات سراسری شکل گرفته است و وجود تعداد قابل توجهی از چهره های شناخته شده و مجرب جنبش کارگری، اسکلت و استخوانبندی محکم و غیر قابل حذفی برای شکل دادن به یک ساختمان بزرگترند، مدیای اجتماعی که به ابزار مهمی در دست کارگران و معلمان و بازنشستگان و بخش های مختلف کارگران تبدیل شده امروز یک ابزار مهم در دست کارگران است، و در کنار اینها از نظر سیاسی قدرت سرکوب و دستگیری و انباشته کردن زندان ها توسط حکومت پایین تر آمده است. طبعا هر فعالیتی هزینه دارد. حکومت و دستگاه های امنیتی آن بیشترین حساست را روی متشکل کردن حتی سه نفره و چهارنفره دارند و روشن است که به سادگی ایجاد تشکل های توده ای کارگری را تحمل نخواهند کرد اما خیلی چیزها را حکومت نخواسته است تحمل کند و به آن تحمیل شده است. اعتصاب و تجمع ممنوع است اما سالانه چند هزار تجمع و اعتصاب صورت میگیرد، همه شعارهایی که مقابل مجلس و غیره داده میشود ممنوع است بیست سال قبل بخاطر این شعارها سر میبرندند و کرور کرور به زندان می انداختند اما امروز این قدرت را ندارند، زنان حجاب هایشان را عقب زده اند و به معنی واقعی کلمه پوزه حکومت را به خاک مالیده اند، انواع تشکل ها شکل گرفته، ضدیت با مذهب تا مغز استخوان جامعه رشد کرده و همه اینها به حکومت تبدیل شده است. چرا نتوانیم تشکل کارگری را به حکومت تحمیل کنیم! امروز زمینه از همیشه مناسب تر است. حکومت مطلقا توان قبلی در مقابله با حرکت های توده ای را ندارد. علیرغم اینهمه اعتراض، اینهمه شعارهای تند علیه سران حکومت و کل حکومت توان دستگیری های وسیع را ندارد. میتواند هر فعالی که دستگیر کند در زندان به یک رهبر سیاسی شناخته شده تبدیل میشود و هزینه بسیار بیشتری به حکومت تبدیل میکند. از این شرایط باید برای خیز برداشتن بطرف تشکل های توده ای کارگری استفاده کرد. اینهم را هم اضافه کنم که بحث این نیست که فورا هیئت مدیره ای اعلام شود باید در مسیر ایجاد تشکل توده ای انعطاف کامل داشت و متناسب با شرایط گام به گام تشکل را ایجاد کرد. بنظر من بخش های از کارگران عملا گام های موثری فی الحال برداشته اند.

اینرا هم اضافه کنم که زمینه در همه بخش های کارگران یکسان نیست. نقاط قوت جنبش کارگری و نقاط ضعف حکومت را باید در نظر گرفت. شاید بازنشستگان امروز مساعدترین طیف برای متشکل شدن باشند نه مثلا پالایشگاه ها یا ماشین سازی ها که کلیدی ترین مراکز کارگری هستند. مهم نیست. هر جا که زمینه مساعدتر است باید دست به کار شد. مراکزی که سراسری هستند مثل کارگران برق و آتش نشانی، نفت و یا بازنشستگان و معلمان که اعتراضاتشان خصلت سراسری دارد شرایط مساعدی برای ایجاد تشکل های سراسری دارند. طومارهای سراسری کارگران نفت هم، هرچند در مراکز پالایشگاهی حکومت بسیار حساس است و ممکن است الان امکان ایجاد تشکل نباشد، اما طومارهای آنها بیان این حقیقت است که اعتراض سراسری بعضا از اعتراض در یک محل ساده تر است چون با توازن قوای بهتری میتوان حرکت کرد و تشکل سراسری هم بعضا امکانپذیرتر از تشکل در یک مرکز معین است. بعلاوه در میان یک بخش از کارگران مثلا بازنشستگان فولاد که ۹۰ هزار نفر هستند ساده تر ۱۰۰۰ کارگر آماده برای متشکل شدن پیدا میشود تا در یک مرکز با ۵۰۰ کارگر. توازن قوا در کارخانه ها با بخش های دهها هزار و صدها هزاره کارگران متفاوت است. در کارخانه ها حراست و عوامل شورای اسلامی و ترس از اخراج محدودیت های زیادی ایجاد میکنند. آنجا همچنان باید بر جنبش مجمع عمومی تاکید کرد که عملی ترین و مناسب ترین ظرف اتحاد کارگرند. باید واقعیات مبارزات کارگری را دید نگاه کرد کجا امکان پیشروی بیشتر بوده شاید همانجا مناسب ترین جا برای شکل گیری تشکل توده ای هم باشد.

تشکل توده ای در هر جا که امکانپذیر باشد مهم نیست از کارخانه است یا در میان بازنشستگان، در میان کارگران نفت است یا معلمان، در میان کارگران ماشین سازی ها و پتروشیمی ها است یا بازنشستگان فولاد، یا کارگران مخابرات و راه آهن. یک فعال جنبش شورایی که منهم خودم را متعلق به آن میدانم باید تمام قد برای ایجاد چنین تشکل هایی هر جا که عملی است دست به کار شود. ممکن است این تشکل ها از مجمع عمومی یا بشکل شورایی شروع نشود اما فضای حاکم بر بخش پیشرو جنبش کارگری و اشتیاق و آمادگی برای دخالتگری در سرنوشت جنبش کارگری، در هر تشکلی که پا بگیرد اجازه نمیدهد سندیکالیسم حاکم بر جنبش کارگری در اروپا بر جنبش کارگری بر این تشکل ها حاکم شود. همین الان گروههای تلگرام دارند به شکلی نقش همین مجامع عمومی و گفتمان سازی و طرح انواع پیشنهاد و انتقاد و دخالت و سازماندهی را بازی میکنند. فعال جنبش شورایی باید هر کجا و در هر بخشی از کارگران امکان ایجاد تشکل توده ای است برای ایجاد آن دست بالا کند و در عین حال سعی کند امکان دخالت توده هرچه وسیعتری را در سرنوشت آن تامین کند و آنرا به مجمع عمومی متکی کند.

یک نکته دیگر اینکه تشکل های توده ای از جمع شدن تشکل های موجود و یا جمع شدن فعالین نمیگذرد. اما مهم این است که فعالین کارگری اولا در این رویکرد که زمان شکل دادن به تشکل های توده ای فرارسیده است شریک باشند و ثانیا نقش عمده خود را صرف متشکل کردن توده ای کارگران و رفع موانع ذهنی و عملی آن بکنند. در فضایی که بتدریج دارد جنبشی برای متشکل شدن در جامعه شکل میگیرد فعالین کارگری، رهبران اعتصابات و اعتراضات کارگری و چهره های سرشناس جنبش کارگری نباید مثل گذشته به شرایط نگاه کنند.

میگویند انقلابی فرهنگی در جامعه ایران رخ داده است و من اضافه میکنم که طلایه های انقلابی دیگر در فضای سیاسی و به چپ چرخیدن جامعه و جلو آمدن کارگر و تبدیل شدن کارگر به یک وزنه مهم سیاسی را هم داریم میبینیم. تردیدی نیست که اینبار انقلابی شروع شود کارگر میتواند تمام قد به میدان بیاید، و سرنوشت آنرا تعیین کند امروز باید هر چه بیشتر آماده شود و تدارک ببیند که فردا سراسری تر و قوی تر و روشن تر در صحنه قدرتنمایی کند.

بحرانی که هر روز هم عمیق تر میشود میتواند استیصال بیاورد یا میتواند به یک مبارزه امیدوار کننده و قدرتمند منجر شود. اگر این پیشروی ها و این فاکتورهایی که توضیح دادم نبود بحران و فقر و بیکاری استیصال را حاکم میکرد، اما علیرغم همه فشارهای اقتصادی، بیکاری ده میلیونی وبیکارسازی هرروزه، فقری که قابل توصیف نیست، اعتیاد و تن فروشی که به سرنوشت بسیاری از خانواده های کارگری تبدیل شده، روحیه استیصال بر جنبش کارگری حاکم نیست پیشروی را مرتبا میبینیم.

اما علاوه بر خیزبرداشتن برای ایجاد تشکل های سراسری و گسترش اعتراضات سراسری به مراکز بیشتر و بخش های بیشتری از کارگران یک مساله مهم دیگر نیز باید بطور جدی به مشغله فعالین کارگری تبدیل شود و آن تقویت و تحکیم یک افق کمونیستی و روی آوری به تحزب است. بدون این حتی با ایجاد تشکل های توده ای هنوز کارگر الزاما دست بالا را در جامعه نخواهد داشت. کارگر نیاز دارد در سطحی ماکرو در عرصه قدرت سیاسی نمایندگی شود تا در مقابل جنبش های سیاسی و آلترناتیوهای دیگر دست بالا را داشته باشد و مبارزاتش پله کان قدرت گیری جریانات ضد کارگری نشود. اما حتی در مبارزات همین امروز نیز به حزب سیاسی خود نیاز حیاتی دارد تا بتواند در مقابل انواع تفرقه هایی که جنبش های دیگر در میان طبقه کارگر ایجاد میکنند و ناامیدی هایی که دامن میزنند، با قدرت بایستد و مسیر جامعه ای سوسیالیستی و عاری از استثمار و طبقات را هموار کند. سوسیالیسم در مقابل منجلابی که سرمایه داری در همه جا حاکم کرده است تنها پاسخ طبقه کارگر میتواند باشد. کارگران در ایران از مجموعه شرایطی برخوردار اند که با تقویت یک کمونیسم اجتماعی و مربوط به کارگر اوضاع را در ایران عوض کنند و بشارت دهنده جامعه ای نوین در سراسر جهان باشند.

صحبتم را با امید به یک اول مه پربار و گسترده و با تبریک این روز به کارگران و همه مردم آزاده تمام میکنم.